نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان

چکیده :

خانواده قدیمی ترین و فراگیرترین نهادی است که در تمام جوامع بشری با الگوهای مختلف وجود داشته و کارکردهای فراوانی دارد. خانواده به عنوان سلول های تشکیل دهنده پیکره جامعه، اگر سالم و کارآمد باشد، سلامتی و سعادت جامعه را در پی دارد و اگر متزلزل و متلاشی باشد به مثابه سلول های سرطان است که پیکره جامعه را دچار هرج و مرج و بی نظمی می کند. نهاد خانواده به عنوان هسته اولیه تولید و تربیت نسل های آینده، مهمترین نقش را در هنجارمند ساختن افراد جامعه بر عهده دارد و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کاهش انحرافات و آسیب های اجتماعی دخالت دارد.

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می دهد . همه چیز در این محیط، به خصوص عوامل انسانی و به ویژه والدین بسیار تأثیرگذار هستند و تأثیرپذیری فوق العاده کودک و روابط عاطفی حاکم بر خانواده، این اثرگذاری را هر چه بیشتر تشدید می کند.

کودک از تمام گرایش ها و محرک های درون خانواده تأثیر می پذیرد و رفتار او به تبع رفتار خانواده شکل می گیرد. کودک به مجرد اینکه زبان مادری را در خانه فرا می گیرد، از طریق گفت و گو و پرسش، افکار و آرای اعضاء خانواده را یاد می گیرد و تحت تأثیر آن واقع می شود. والدین نه تنها مأمن و پناه کودک هستند بلکه نخستین آموزگار، راهنما و الگو نیز می باشند. اگر ما در بسیاری از اعمال و رفتار روزمره خود دقت نمائیم و به تجزیه و تحلیل و ریشه یابی آنها بپردازیم در می یابیم که بیش تر آنها از تربیت خانوادگی سرچشمه می گیرد . محیط خانواده نخستین فضای تربیتی است که انسان را تحت تأثیر خود قرار می دهد و به سامان دهی شاکله تربیتی انسان می پردازد این فضا به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی پایدارترین تأثیرات روحی اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جا می گذارد.

کلمات کلیدی : خانواده ، فرزندان ، اجتماعی کردن

مقدمه

اجتماعی شدن از مفاهیم اصلی جامعه شناسی واز کارکرد های خانواده است با تحقق فرایند اجتماعی شدن فرد هویت یا من،اجتماعی می یابد بنابراین نظر به اهمیتی که اجتماعی شدن در هویت فردی واجتماعی نوجوان دارد محققان همواره سبک های اجتماعی کردن از سوی والدین را مورد مطالعه قرار می دهند.جامعه شناسان بر این باورند که سرمایه اجتماعی نقش کلیدی در تبیین مسائل اجتماعی دارد.انسان اصالتا موجودی است اجتماعی و جنبه اجتماعی رشد کودک پایه و اساس زندگی انسانی او را تشکیل می‌دهد. لازمه زندگی اجتماعی، آمادگی روانی، برخورداری از مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و قدرت سازگاری اجتماعی است.تحقیق حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوال است که خانواده چه نقشی در اجتماعی کردن فرزندان دارد؟ مهم ترین بعد تربیت شخصیت فرزندان کدام بعد است؟ تفاوت اساسی فرزندانی که اجتماعی تربیت می شوند با سایرین در چیست؟ بدون تردید از نظر اجتماع مهم‌ترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی شخصیت ایشان است و در یک کلام، خانواده، اساسی‌ترین بستر رشد شخصیت مطلوب کودکان است. خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. در واقع هر خانواده را باید خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزش‌های والا و مورد احترام و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط میان افراد و مهد پرورش تفکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به حساب آورد.بررسی خصوصیات خانواده نشان داد آن دسته از فرضیاتی که بیان می‌داشت هرقدر تعداد افراد در خانواده بیشتر باشد، اجتماعی شدن افراد بهتر و سریعتر انجام می‌گردد،دراین تحقیق تائید نگردید.اما فرضیات دیگری که بیان می‌داشت با افزایش سن والدین و گذشتن از زمان ازدواج، اجتماعی شدن فرزند بطور مناسب‌تری صورت می‌گیرد، تائید شد.

نظریه های دانشمندان راجع به اجتماعی کردن فرزندان

1- آن دسته از تئوریهایی که بیان می‌دارند خانواده‌هایی که والدین درآن از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند،بهتر و مناسب‌تر می‌توانند فرزندان خویش را اجتماعی سازند، در ظاهر تائید نمی‌شود، اما در واقع تاثیر خود را هنگام ایفای نقش آموزشی والگویی بجای می‌گذارد. -3 بررسی نتایج متغیر انتظارات والدین از یکدیگر بیانگر این مطلب مهم و اساسی است که اجتماعی شدن در خانواده‌هایی بهتر و مناسبتر صورت می‌گیردکه والدین با یکدیگر تفاهم بیشتری داشته و ازیکدیگر حمایت کنند.درواقع خانواده‌های نابسامان که در آن زن و شوهر با یکدیگر اختلاف نظر داشته و از یکدیگر حمایت نمی‌کنند،طبیعتا" نمی‌توانند به نحو مناسبی فرزندان

خود را اجتماعی کنند. -4 فرضیات مهمی که بخصوص درنظریات پارسنز و گود وجود داشت و تاکید بسیاری بر نقش عاطفی والدین میکرد، دراین تحقیق نیز تایید شد.البته دراین زمینه مادران نقش مهمتری نسبت به پدران باید ایفاء نمایند. -5 تاکید فراوانی که دورکیم و پارسنز در نظریات خود برنقشی که والدین در آموزش فرزندان خویش باید ایفاءکننده می‌نمود، دراین تحقیق نیز تایید شد که هرقدر والدین بیشتربه فرزندان خود آموزش داده و صحبت کنند، فرزندان نیز بهتر اجتماعی می‌گردند. -6 باتوجه به فرضیات دورکیم، پارسنز و گود مبنی بر نقش نظارت و کنترل بررفتار کودک در اجتماعی شدن فرزند،و نیز نتایج بدست آمده از متغیرهای نظارت ، می‌توان بیان داشت که مراقبت و سخت‌گیری بر اجتماعی شدن تاثیر مثبت دارد.اما آزاد گذاشتن فرزند تنها در یک بعد از ابعاد اجتماعی شدن تاثیر دارد و آن فراگیری صلاحیتهای روابط اجتماعی است .و هیچگونه تاثیر معنی‌داری با دیگر ابعاد اجتماعی شدن ندارند. -7 آن دسته از فرضیاتی که نقش عاطفه و اعمال محبت را دراجتماعی شدن لازم می‌دانست ، در واقع بر حمایت از فرزندان در شرایط بحرانی نیز تاکید می‌نماید.دراین تحقیق نیز این فرضیه، تایید شد که هرقدر فرزندان پشتوانه‌های قویتری برای حمایت در شرایط بحرانی داشته باشند،پدر و مادر به آنها توجه داشته، آنها را درک نموده و از ایشان پشتیبانی نمایند، فرزندان بهتر اجتماعی خواهند شد. -8آن دسته از فرضیاتی که مبنای اجتماعی شدن را وجود کنش متقابل بین والدین و فرزندان می‌دانست و بر ارتباط و صحبت کردن پدر – مادر با فرزندان تاکید داشت ، دراین تحقیق مورد تایید قرار گرفت . -9 تاکید زیادی که پارسنز، گود، فروید و دیگر نظریه پردازان بر نقش همانندسازی فرزندان با والدین و الگوگیری از رفتار آنها و آموزش نقش‌های اجتماعی داشتند، دراین تحقیق نیز مورد تایید قرار گرفت . -10 نقش والدین دراصلاح رفتار اشتباه فرزندان و هدایت آنها به انجام شیوه‌های صحیح و رفتار موردنظر، نشان داد که بر اجتماعی شدن فرزندان تاثیر معکوس دارد.یعنی استفاده از روشهای توبیخ برای اصلاح رفتار (تنبیه کردن، قهرکردن و محروم کردن) بر اجتماعی شدن فرزندان بهتر انجام می‌گیرد. -11 دراین تحقیق ثابت شد که برخورد مستبدانه با فرزندان و توسل به زور برای وادار کردن آنها به انجام کارها، تاثیر منفی بر اجتماعی شدن فرزندان به نحو مناسب‌تری صورت می‌گیرد. – 12 فرضیه مهم دیگری که بر استمرار،پایداری و وجود ثبات در رفتار والدین با فرزندان تاکید داشت ، دراین تحقیق مورد تایید قرار گرفت .نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که برای بهتر اجتماعی شدن فرزندان، والدین باید حتما" به حرفی که می‌زنند یا قولی که می‌دهند، عمل نمایند. -13 یک سری از فرضیات نیز برنقش پایگاه اجتماعی – اقتصادی و درواقع وضعیت اقتصادی بهتر خانواده برای اجتماعی شدن فرزندان تاکید داشت .نتایج بدست آمده دراین تحقیق خلاف آنرا ثابت می‌نماید.نتایج نشان می‌دهند که هرقدر هزینه‌های زندگی و هزینه‌های آموزشی بالاتر، درآمد خانواده بیشتر، وضعیت اقتصادی خانواده بهتر بوده و خانواده از پایگاه اجتماعی – اقتصادی بهتری برخوردار باشد، اجتماعی شدن فرزند به نحو نامناسب‌تری انجام می‌گیرد. -14 همچنین از لحاظ تئوریک

وجود تفاوت در ابعاد گوناگون سن نقش‌های مادر و پدر دراین تحقیق نیز مورد تایید قرار گرفت .اهمیت نقش اصلاحی رفتار و اقتدار برای پدران بیش از مادران و درعوض نقش حمایتی و عاطفی برای مادران بیشتر از پدران بود. -15 همچنین نتیجه دیگر وجود اختلاف بین دختران و پسران در اجتماعی شدن، بخصوص از ابعاد مختلف می‌باشد.

نقش والدین در رشد اجتماعی کودکان

شیوه فرزند پروری شامل روش ها و رفتارهایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود بکار می برند. روش فرزند پروری والدین بر جنبه های رشد فرزندان آنها تاثیر می گذارد(بامیرند۱، 1991) و هم چنینمی تواند پیش بینی کننده رشد بهداشت روانی، عملکرد تحصیلی، رفاه سلامت روانی ورفتار فرزندان در آینده باشد(ما، یائو، ژائو۲، 2013). در واقع پایه واساس فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل واجتماعی کردن فرزندانشان است. اگرچه ممکن است والدین در چگونگی کنترل واجتماعی کردن فرزندانشان تفاوت داشته باشند ولی به نظر می رسد همه والدین در تعلیم وتربیت ونظارت بر فرزندان نقش اولیه را بر عهده دارند(کریمی، 1387). شیوه های فرزند پروری که خانواده ها در تربیت فرزندان خود دارند به سه دسته سهل گیرانه، مستبدانه و دموکراتیک یامقتدر انه- منطقی تقسیم می شود در سبک سهل گیرانه والدین اجازه می دهند فرزند هرچه خود دوست دارد و یا منطقی می داند را انجام دهد و هیچ نظارتی بر او ندارند. در سبک مستبدانه نظر عمدتاً نظر والدین است فرزند هیچ گونه نظر یا اظهار عقیده ای ندارد در غیر این صورت مورد تنبیه والدین قرار می گیرد. در سبک دموکراتیک به طور منطقی بر اعمال او نظارت می شود در موقعیت مقتضی براو اجازه اظهار نظر داده می شود(بامیرند، 1991؛ زیلگمن۳،1999).

هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند چنانکه ازخانواده های سالم بر خوردار نباشند، هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده به وجود آمده باشد. خانواده اساسی ترین نهاد در جامعه پذیر کردن کودکان به ویژه در سال های حساس اولیه زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می کند تا توانایی های بالقوه ی خود را شناسایی کنند وبه عنوان افراد بالغ، نقش سودمندی را در جامعه به عهده بگیرند. کودکان در فرایند جامعه پذیری درخانواده، امرونهی والدین، تقلید وهمانند سازی را که مهمترین شیوه های انتقال ارزش ها، هنجار ها وسنت های اجتماعی است را یاد می گیرند. در حقیقت، در خانواده است

1-Bamirend
2-Ma,Yao&Zhao.
3- Zeligmane

که کودکان می آموزند که چه چیزی درست ویا غلط است. طبیعی است که خانواده نقش مهم و قابل ملاحظه ای در شکل گیری شخصیت ورفتار کودک دارد(ستوده، 1383).انسان هنگام تولد معیار مشخص و معینی از « بد» و « خوب » ندارد. اگر پاسخ هایی که به جامعه می دهد، مطابق معیار های آن جامعه باشد وبه نحو مداومی تقویت شوند، او آن پاسخ های خوب را حفظ می کند و واکنش های بد را ترک میگوید. در ابتدا رفتار به وسیله عوامل بیرونی کنترل می شود و تنبیه وتشویق او، واکنش های او را شکل می دهد. اما به تدریج که وجدان یا فراخود در او شکل می گیرد، به درون فکنی ارزشهای بیرونی می پردازد و درباره رفتار های خود قضاوت می کند. او در اثر رفتار هایی که بد میداند، احساس گناه میکند و در اثر رفتارهای خوب خود احساس رضایت وپذیرش. وبه تدریج انسان رشد می کند، (زممیرامن٤، 1994).

در پرورش شخصی کودکان، والدین باید توجه داشته باشند که چگونگی رفتار اجتماعی کودک از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. برای این که بچه‌ها از رشد مطلوب اجتماعی برخوردار باشند لازم است الگوهای رفتاری بزرگسال، بیش از هر چیز نگرش مثبت به افراد مختلف و فعالیت‌های اجتماعی در ایشان ایجاد کند و این مهم انجام نخواهد شد مگر رفتار مهربانانه، صمیمی و دوست‌داشتنی والدین.

کودکان به عبارت دیگر برای این‌که نگرشی مثبت به برقراری ارتباط با دیگران داشته باشند، باید از تجارب دلپذیر و خوشایند اجتماعی بهره‌مند شوند. زمانی‌که الگوهای بزرگسال چون پدر و مادر همواره رابطه‌ای صمیمی و عاطفی با کودک برقرار کنند و تعادل اجتماعی را با همراهی و همکاری و بازی و نشاط توام سازند، آمادگی کودک برای ایجاد ارتباط با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

بر عکس کودکانی که والدین آنها جز رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز رفتار دیگری با ایشان ندارند، به لحاظ همین تجارب ناخوشایند و تنفرانگیز چندان تمایلی برای ارتباط با دیگران نشان نمی‌دهند. اضطراب، کمرویی، عصبانیت و پرخاشگری والدین از آفات رشد مطلوب اجتماعی کودکان می‌تواند باشد.

برای این‌که کودکان تشویق شوند تا ارتباط اجتماعی‌شان را گسترش دهند باید خاطرات شیرین رابطه آنها با والدین آنچنان در ذهنشان مانده باشد که با رضایتمندی اجتماعی آماده ارتباط مثبت و متقابل با دیگران باشد.

4-Zimmeraman

الگوی بالودین، کهورن و بریس

این الگو سه بعد را در فضای روانی در بین اولیا و کودک قرار می دهند. این سه بعد عبارتند از:

الف- پذیرفتن و طرد کردن: این بعد شامل گرمی و صمیمیتی است که اولیا نسبت به فرزندان خود ابراز می کنند. تحقیقات بین فرهنگی نشان می دهد که در این مورد تفاوت های چشمگیری بین ملت ها و حتی گروه های یک جامعه وجود دارد.

ب-توجه و بی توجهی: این بعد به میزان شدت محافظت، مراقبت و توجه اولیاء نسبت به کودک مربوط می شود. این حالت می تواند از مراقبت و مواظبت شدید اولیاء از کودک در مورد روبرو شدن با مشکلات و مسائل زندگی شروع شود و تا بی اعتنایی و عدم مراقبت و بی توجهی افراطی ادامه یابد.

ج- دیکتاتوری و دموکراسی: این بعد به میزان اشتراک کودک در فعالیت و تصمیمات خانوادگی مربوط می شود، بعضی از خانواده ها با کودکان خود به حالت دستوری و عامرانه رفتار می کنند اما بعضی دیگر کودک را در امور خانواده مشارکت می دهند و به او اجازه ی تصمیم گیری، مداخله و اظهار نظر و ابراز وجود را می دهند(شاملو، 1372).

نظریه» اریکسون

بنابر نظریه» تحول روانیاجتماعی اریکسون، شکل گیری شخصیت بر طبق مراحل و بر اساس رشد بدنی که تعیین کننده کشش فرد نسبت به جهان خارجی و هشیار شدن وی نسبت به آن است تحقق می پذیرد. بر اساس مراحل ۸گانه» روانی اجتماعی اریکسون،اهداف و سبکهای فرزند پروری والدین در مراحل مختلف رشد تغییر می کند(هترینگتون،۱۹۷۸،به نقل ازاسلمی،۱۳۸۵).

در مرحله اول رشد روانی اجتماعی اریکسون که اعتماد در برابر عدم اعتماد می باشد و از تولد تا ۱۸ ماهگی را شامل می شود،هدف اصلی فرزند پروری در این مرحله پاسخگویی به نیازهای فرزند می باشد. هدف اصلی فرزندپروری برای کودکانی که در سنین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی به سر می برند و در مرحله خود مختاری در برابر شک وتردید می باشند،کنترل رفتار فرزندان می باشد.برای کودک ۳ تا ۵ ساله که در مرحله ابتکار در

برابراحساس گناه به سر می برد،هدف عمده فرزندپروری باید پرورش خود گردانی باشد(هترینگتون،۱۹۷۸،به نقل از اسلمی،۱۳۸۵).

مرحله چهارم که اریکسون این مرحله را کارایی در برابر احساس حقارت نامیده است و کودکان ۵ تا ۱۱ ساله را در بر می گیرد، هدف اصلی فرزندپروری ترقی دادن و پیشرفت کودک است.در مرحله پنجم که دوران نوجوانی است(۱۱-۱۳ سالگی)و مرحله هویت در برابر آشفتگی می باشد، هدف اصلی فرزند پروری تشویق به استقلال و حمایتهای عاطفی است(هترینگتون،۱۹۷۸،به نقل از اسلمی،۱۳۸۵).

نتیجه گیری :

اجتماعی‌شدن توسط گروه‌ها و عوامل اجتماعی‌شدن صـورت می‌گیرد. در همهٔ فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی‌شدن کودک در دوران طفولیت است. در بیشتر جوامـع سنتی، خانواده‌ای که فرد در آن متولد

می‌شود تـا انـدازهٔ زیـادی تعیین‌کنندهٔ موقعیت اجتماعی فرد در طول زندگی اوست؛ اما در جوامع امروزی، موقعیت اجتماعی به این ترتیب به ارث برده نمی‌شـود. بـااین‌وجود، منطقه و طبقهٔ اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متـولـد می‌شود بر الگوهای اجتماعی‌شدن به‌شدت تأثیر می‌گذارد یکی دیگر از عوامل، اجتماعی‌شدن است. گروه‌هـای همالان، گروه‌های دوستی هم‌سن هستند. از طریق عضویت در ایـن گروه‌ها، کودک زمینهٔ کنش متقابل متفاوتی را درک می‌کند که در آن قواعد رفتار را می‌سنجد و کاوش می‌کند. روابـط همالان، بیشتر در سراسر زندگی شخصی اهمیـت خـود را حـفـظ می‌کنند و در شکل‌دادن به نگرش‌ها و رفتار افراد اهمیت پـایـداری دارند

امروزه در جوامع مدرن با کمرنگ‌شدن نقش خانواده‌ها، نظام‌های آموزش و پرورش مدرن در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و گرایش های فرد نقشی اساسی دارند. این رابطه نشان‌دهندهٔ نظریهٔ دورکیم و کلیه نظریه‌هایی است که مدرسه را عامل برتر جامعه‌پذیری دانسته‌اند

مدارس نیز در فرایند اجتماعی‌شدن نقـش دارنـد. آمـوزش در مدارس یک فرایند رسمی است. برنامهٔ معینی وجود دارد که باید از دروس فراگرفته شوند. در کنار برنامهٔ آموزشی رسمی برنامه‌ای وجـود دارد کـه بعضی جامعه‌شناسان آن را برنامهٔ آموزشی پنهان نامیده‌انـد که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند. در مدارس از کودکان انتظار می‌رود به موقع در کـلاس حـاضـر باشند، در کلاس آرام باشند، مقررات انضباطی مدرسه را بپذیرند و نسبت به آن پاسخ‌گو باشند. واکنش‌های معلمان نیز بر انتظاراتی تأثیر می‌گذارد که کودکان از خودشان دارند. اینها به نوبـهٔ خـود بـا تجربهٔ شغلی آنها هنگامی پیـونـد می‌یابد که مدرسه را ترک می‌کنند

منابع :

1- احدی و بنی جمال، 1374 ، روان شناسی رشد، چاپ هشتم ، تهران ، انتشارات رشد

2- ترخان، مرتضی، 1387 ، ارزشیابی شخصیت ، تهران ، انتشارات پیام نور

3- دلاور، علی، 1385، روشهای تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی ، تهران ، انتشارات پیام نور

4- شریفی، حسن پاشا،1383 ، اصول روان سنجی و روان آزمایی، تهران ، انتشارات رشد

5- جوانمرد، غلام حسین ،1386 ، روان شناسی فیزیولوژیک ، تهران ، انتشارات پیام نور

6- سیف، علی اکبر، 1382 ، روان شناسی پرورشی، تهران ، انتشارات آگاه

7- آزاد، حسین، 1382 ، آسیب شناسی روانی، تهران ، انتشارات بعثت

8- شعاری نژاد، علی اکبر، 1380 ، روان شناسی رشد، تهران ، انتشارات پیام نور

9- براهنی، محمدنقی، 1385 ، زمینه روان شناسی هیلیگارد، تهران ، انتشارات رشد

10- کریمی، یوسف، 1370 ، روان شناسی شخصیت ، تهران ، نشر ویرایش

11- شاملو، سعید، 1372، آسیب شناسی روانی، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات رشد

12- میلانی فر، بهروز، 1386 ، روان شناسی کودکان و نوجوانان اسثنایی ، تهران ، انتشارات قومس

13- دادستان ، پریرخ، 1387، روان شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی جلد اول و دوم ، تهران ، انتشارات سمت

14- سیف، سوسن، 1368 ، تئوری رشد خانواده، تهران ، انتشارات دانشگاه الزاهرا

15- گنجی، حمزه، 1367 ، روانشناسی تفاوتهای فردی ، نشر مؤسسه انتشارات بعثت

16- شفیع آبادی ، 1367 ، روان شناسی یادگیری و آموزشی ، چاپ سوم ، تهران، انتشارات رشد

17- شریعتمداری، علی، 1364 ، روان شناسی تربیتی ، انتشارات مشعل ، اصفهان

18- سید محمدی ، 1366 ، ساخت وکار ذهن ، نشر فرهنگ معاصر، تهران

19- آزاد، حسین ، 1377 ، آسیب شناسی روانی ، انتشارات بعثت ، تهران

20- بیانگرد ، 1365 ، عقب ماندگیهای ذهنی ، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم

21- یا سایی ، 1373 ، روان شناسی کودک ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران

22- گلشن ابراهیمی، گلرخ ،1379، خصوصیات شیوه های فرزند پروری در تربیت دانش آموزان دختر و پسر دوره مقطع راهنمایی شهرستان کرمانشاه . پایان نامه لیسانس دانشگاه کرمانشاه

23- نوری، جعفر.(1382)مقایسه وضعیت سلامت جسمانی، روانی و کنش اجتماعی مادران شاغل و خانه دار شهر تهران ورابطه آن با کارکرد خانواده.پایان نامه ارشد مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

24-مینوچین،سالوادور؛فیشمن،چارلز(1996).فنون خانواده درمانی،ترجمه فرشادبهاری وفرح سیا.تهران :انتشارات رشد.

25توکلی زاده(1387).بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای آموزشی راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بروضعیت روانی،سبک اسنادوخودکارآمدی.پایان نامه دکتری روانشناسی تربیتی،دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

26-نازکت بارفیروزجانی،علی(1386)بررسی نقش عملکردخانواده برسبک های مقابله برفشارروانی وپیشرفت تحصیلی ازنظردانش آموزان دبیرستانی. پایان نامه کارشناسی ارشدروانشناسی تربیتی،دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی